

وضعیت چاپ و نشر حقوقی در گفت و گو با مدیر مسئول انتشارات مجد



به عنوان اولین سؤال بفرمایید از چه سالی مجد راه اندازی کرده و وارد کار نشر کتب حقوقی به صورت تخصصی شده‌اید؟

از سال ۶۹ فعالیت انتشاراتی را آغاز کردیم ولی تا سال ۷۲ کتب مختلفی را چاپ می‌کردیم از این سال کاملاً مشغول چاپ کتب حقوقی شدیم و تا امروز مجموعاً ۱۴۰ عنوان کتاب چاپ کرده‌ایم که اولین عنوان آنها کتاب گفتگو در مکالمه عربی بود که تا به حال چند بار تجدید چاپ شده است و از افتخارات مجمع علمی - فرهنگی مجد است. مشکل بزرگ ما در زمینه چاپ مجموعه قوانین است زیرا برخی افراد بدون صلاحیت لازم و تحصیلات حقوقی اقدام به این کار می‌کنند

فرمودید مجمع علمی - فرهنگی مجد، اگر امکان دارد قدری در مورد این عنوان توضیح بدهید.

از ابتدا دامنه فعالیتمان را وسیع تر از انتشارات تعریف کردیم و در اساسنامه آوردیم. به بخش ترجمه و پژوهش توجه زیادی کردیم و گسترده‌تر از آنچه در مؤسسات انتشاراتی معمول است فعالیت می‌کنیم، آنچه ما در اساسنامه مجمع علمی - فرهنگی مجد آورده‌ایم. همان عنوان و کارکرد مؤسسات چند منظوره فرهنگی است که اخیراً مجوز داده می‌شود. عنوان مجمع هم در ادبیات عرب معادل مجتمع در زبان فارسی است یعنی جایی که چند کار تعریف شده پژوهشی - فرهنگی انجام می‌دهد. ما هم در مجمع چند بخش داریم: در بخش ترجمه و پژوهش نزدیک ۵۰ نفر از اساتید و مترجمین رشته‌های مختلف حقوق با ما همکاری دارند لذا کتابهای ما بیشتر طرحهای تحقیقی هستند که ما پیشنهاد کرده‌ایم و متخصصین رشته‌های مختلف حقوقی به انجام رسانده‌اند.

در بخش توزیع هم از حدود چند سال قبل وارد شده‌ایم، نزدیک به دو سال هم هست که در تلاش برای اخذ پروانه چاپ مجله حقوقی هستیم. از لحاظ فنی هم بخش چاپخانه را به مجموعه خواهیم افزود، (البته مجوز آن را داشتیم ولی به لحاظ مشغله‌های انتشارات وارد آن نشدیم که ان شاءالله در آینده به آن هم می‌پردازیم).

برای اینکه یک کتاب قابل چاپ باشد، باید یکی از معیارهای لازم را داشته باشد تا مورد توجه خواننده قرار بگیرد. یا باید از لحاظ جنبه علمی و اهمیت مؤلفش

ارزشمند باشد افرادی مثل دکتر کاتوزیان و دکتر شهیدی. یا این که از لحاظ عملی و کاربردی قوی باشند که این جنبه عملی می‌تواند آرای دادگاهها، قوانین یا کتب تست حقوقی باشد.

چطور شد که ناشر تخصصی کتب حقوقی شدید؟

کار انتشارات مشکلات مختلفی دارد به ویژه در سالهای ۶۹ تا ۷۱ کار نشر بسیار مشکل بود و قیمت کاغذ (که از مصالح اولیه نشر است) چنان بالا رفته بود که الان پس از ده سال هنوز هم به آن سطح نرسیده است و ما با این وضع مواجه بودیم که کار نشر در بخشهای مختلف سرمایه‌ای در حد انتشارات امیرکبیر را می‌طلبید. با توجه به بضاعت علمی، مدیریتی و مالی خود به این نتیجه رسیدیم که ما باید در یک رشته کار کنیم تا همه ما را با آن بشناسند و امکان کار پژوهشی هم در آن باشد. من به لحاظ تحصیلات خودم، شرایط جامعه که افزایش دانشجویان و فارغ التحصیلان حقوق راد پی داشت و همچنین اهمیت یافتن حقوق در سطح کشور تصمیم به کار تخصصی در حقوق گرفتم.

چند ناشر دیگر مثل شما در این حوزه فعالند و تعداد ناشران حقوقی در مقایسه با سایر رشته‌های علوم انسانی به چه صورت می‌بینید؟

فکر می‌کنم کمتر از ده ناشر حقوقی داشته باشیم. از لحاظ تعداد هم در بعضی رشته‌ها مثل روانشناسی تعداد ناشران تخصصی بیشتر است ولی در برخی رشته‌ها مثل مدیریت، علوم پایه محض و... این تعداد کمتر است. علت این موضوع هم گسترش حقوق بوده است.

در سال ۶۲ که من وارد دانشگاه شدم در کل کشور ۲۵۰ نفر دانشجوی حقوق گرفته می‌شد ولی الان هر واحد دانشگاه آزاد این تعداد دانشجو را دارد و این موضوع باعث افزایش تعداد وکلا، سردفتران و مشاورین ماده ۱۸۷ شده است که در سایر رشته‌ها وجود ندارد.

اشاره:

سیدعباس حسینی نیک، مدیر مسئول مجد با ۳۸ سال سن، متولد یزد است. او در سال ۱۳۶۶ از دانشگاه رضوی مشهد فارغ التحصیل شده، همزمان با تحصیلات دانشگاهی، سطح ۱ حوزه را در مشهد به اتمام رسانده، سپس سطح ۲ حوزه را در قم آغاز نموده و در همان زمان موفق به اخذ لیسانس ادبیات عرب از دانشگاه تهران شده است. از سال ۶۷ تا ۷۰ در بخشهای حوزه معاونت پژوهشی وزارت ارشاد فعالیت نموده که اولین مسئولیت وی در وزارت ارشاد، سرپرستی اداره فرهنگ و تمدن اسلامی بوده، سپس رئیس اداره فرهنگ ملی، مؤسس مرکز پژوهشهای بنیادی وزارت ارشاد و مدیریت آن به مدت یک سال و سرانجام به مدت یک سال مشاور پژوهشی حوزه معاونت پژوهشی بوده است و از سال ۷۰ به بعد ارتباطش را با وزارت فرهنگ قطع کرده و صرفاً به کار نشر مشغول شده است. آنچه در پی می‌آید مصاحبه‌ای پیرامون وضع چاپ و نشر حقوق در کشور بویژه فعالیت انتشاراتی موسسه مجد است که وی مدیرمسئولی آن را بر عهده دارد.

ملاک شما برای انتخاب کتاب، جهت نشر چیست؟ صرفاً

تحقیقات و کارهای خودتان را چاپ می‌کنید یا کتابهای دیگر را هم مورد عنایت قرار می‌دهید؟

حدود ۸۰٪ کتابهای ما طرح‌های پژوهشی است که عمدتاً توسط خود من به لحاظ آشنایی با جامعه حقوقی مطرح شده و ما پس از پرداخت حق تحقیق این

کارها، حقوق آن را برعهده داریم. در ۲۰ تا ۳۰ موارد، کتاب تألیف شده مؤلف برای ما آورده می‌شود. گروه اول تقریباً همگی موفق بوده‌اند ولی در مورد سایر کتب ما نمی‌توانیم صرفاً مسائلی اقتصادی یا ارزش علمی را مورد توجه قرار دهیم. این صحیح است که انتشارات اعتبار دارد و باید کارهای علمی با مؤلفین خوب انتخاب و چاپ کرد. اما این یک بعد مسأله است ولی برخی کتب با ارزش از لحاظ اقتصادی مشکل زا بوده و ضرر دارند. این گونه کتب اگر تا ۵۰٪ اطمینان ما را جلب کنند، ناشر با مؤلف به صورت مشترک کتاب را چاپ می‌کنند و گرنه آن را چاپ نمی‌کنیم.

بیشتر چه کتابهایی مورد پسند مشتری واقع می‌شوند؟

کتاب باید یکی از معیارهای لازم داشته باشد تا مورد توجه خواننده قرار بگیرد. یا باید از لحاظ جنبه علمی و اهمیت مؤلفش ارزشمند باشد افرادی مثل دکتر کاتوزیان و دکتر شهیدی. یا این که از لحاظ عملی و کاربردی قوی باشند که این جنبه عملی می‌تواند آرای دادگاهها، قوانین یا کتب تست حقوقی باشد.

در مورد کتب تست صحبت کردید، خود شما تا به حال کتاب

تست چاپ کرده‌اید؟ چه کسانی این کتب را چاپ می‌کنند؟

در مورد کتابهای تست، در همه رشته‌ها و مقاطع، پراکنده کاری و گاه طرح تست از طرف افراد بدون صلاحیت را داریم که باعث گمراهی دانشجویان هم می‌شود. این مسائل در رشته حقوق هم وجود دارد. خود ما در زمینه این کتب دو کار را انجام داده‌ایم. کار اول چاپ کتابهای مجموعه سؤالات طبقه بندی شده است که این کتابها صرفاً تست نیست. بلکه مباحث مختلف حقوقی را با توضیحات مختص و چاپ سؤالات مختلف، آموزش می‌دهد. کار دیگر ما نیز چاپ مجموعه آزمونهای حقوقی در آزمونهای مختلف است و ما سعی کرده‌ایم در همه موارد طرح تست را به افراد متخصص بسپاریم.

نظر شما در خصوص رونق کار بازار کتابهای حقوقی چیست؟

کار انتشارات از بعد اقتصادی اگر با کارهای هم تراز دیگری که این حجم سرمایه و معلومات را نیاز دارند مقایسه شود کار خیلی پرسودی نیست ضمن این که ریسک زیادی هم دارد و چاپ یک یا دو عنوان کتاب نامناسب، می‌تواند باعث تخریب اعتبار ناشر یا مشکلات مالی جدی برای او شود ولی این گونه نیست که بگوییم بی رونق است و سود ندارد.

در زمینه سایر کتب چطور؟ اگر کتابهای دیگری غیر از کتب

حقوقی چاپ کنید سود بیشتری عاید شما نمی‌شود؟

ما با توجه به تخصص و اعتباری که در این زمینه به دست آورده‌ایم نمی‌توانیم از این راه برگردیم ولی امکان دارد که بتوانیم در سایر شاخه‌های علوم انسانی نزدیک به حقوق هم وارد شویم ولی خارج شدن از این فعالیت تخصصی بسیار مشکل است.

با توجه به این که گفتید تعداد زیادی از عناوین شما جدید است

آیا کپی برداری از کتب شما و نشر بدون مجوز آنها تا به حال اتفاق

نیفتاده است؟

چرا، تا به حال چندین بار چنین اتفاقاتی افتاده ولی به غیر از یک مورد، ناشر آن شناخته شده نیست ولی به نظر می‌آید که این کار توسط شبکه پخش صورت گرفته و آنها با آگاهی از تقاضا برای کتب آن را افسست کرده و عرضه نموده‌اند.

در آن موردی که ناشر شناخته شده بود، چه کردید؟

در وزارت ارشاد بخشی تحت عنوان واحد حل اختلاف وجود دارد که در واقع حالت میانجیگری و غیرقضایی دارد، ما به آن جا مراجعه کردیم و پس از ارائه مدرکمان و اثبات این امر که کتاب ماعیناً کپی برداری شده به نوعی مصالحه تن دادیم تا دیگر آن کتاب چاپ نشود.

شکایتی علیه ناشر یا مؤلف آن کتاب در دادگاه طرح نکردید؟

خیر - زیرا استنباط این بود که ناشر، از چاپ آن کتاب توسط ما بی اطلاع بوده و در واقع مؤلف با کپی برداری و دستنویس کردن کتاب ما، باعث چنین موضوعی شده بود.

علت عدم مراجعه شما نقض قوانین بود یا علت دیگری داشت؟

قانونی که الان اجرا می‌شود قانون حمایت از حقوق مؤلفین و مصنفین است. این قانون نواقصی دارد و باید قانون جدیدی تدوین شود به خصوص در بخش ترجمه و مسائل مربوط به کپی رایت اما به جز بحث قانون به لحاظ پیچیدگی های دادرسی و وقت گیر بودن آن، خود ما هم در صورت بروز چنین مشکلاتی بیشتر تمایل داریم که در واحد حل اختلاف موضوع حل شود تا از زیان بیشتر ناشی از پیگیری قضایی و حقوقی جلوگیری شود.

در زمینه چاپ کتب حقوقی، ناشرین ما کمتر جرأت چاپ کتاب

مؤلفین جدید را دارند و بیشتر کتابهای اساتید مشهور را چاپ می‌کنند

فکر نمی‌کنید با ادامه این وضع هیچ گاه مؤلفین جوان نمی‌توانند وارد عرصه پژوهش شوند؟

ما در حوزه نشر مشکلی تحت عنوان کتابسازی داریم. ما در اوایل دوره ریاست جمهوری آقای خاتمی با یکی از نمایندگان مجلس جلساتی با آقای مهاجرانی داشتیم ایشان این مسئله را عنوان کردند و می‌گفتند که ما کتاب خوب و علمی کم چاپ می‌کنیم و اصلاً کم نوشته می‌شود و بیشتر کتابسازی صورت می‌گیرد. واقعیت همین است.

در مورد چاپ پایان نامه‌ها فقط بحث معروف نبودن نویسنده نیست مشکل اصلی در عدم چاپ اغلب پایان نامه‌ها این است که موضوعات آنها بسیار تخصصی و عمیق است و این گونه آثار مخاطبین اندکی دارند و در کار نشر نمی‌توانند موفق باشند بلکه باید عمومیت بیشتری داشته باشند

گاه ما با افرادی در سطح لیسانس یا دانشجوی لیسانس برخورد می‌کنیم که در مورد موضوعات مهم حقوقی مطالبی نوشته‌اند البته باید این محقق جوان را تشویق کرد ولی در موضوعات مهم حقوقی یک دانشجوی لیسانس یا فوق لیسانس نمی‌تواند وارد شود. در تمام دنیا، در حوزه نشر به هیچ وجه اجازه داده نمی‌شود که کسی بدون صلاحیت وارد شود ما هم فی الواقع به جز عامل اقتصادی، از لحاظ اعتبار مؤسسه هم نمی‌توانیم چنین کتابهایی را چاپ کنیم. هر چند که متأسفانه عده‌ای در بازار نشر این گونه کتب معروف شده‌اند که اطلاعات در حد لیسانس یا پایین تر دارند و تعداد زیادی کتاب در مسائلی مثل قانون، آرای دادگاه‌ها و... به نام آنها چاپ شده است و حتی برخی از آن‌ها به ما مراجعه می‌کنند و تقاضای گرفتن سفارش برای نوشتن کتاب را مطرح می‌کنند و اصلاً هیچ گونه پژوهشی در این رابطه انجام نمی‌دهند. خاطرم هست در اواخر عمر مرحوم دکتر کی‌نیا، برای چاپ کتاب روانشناسی قضایی به منزل ایشان رفته بودم از آنجا که ارتباط خوبی با این استاد داشتم هر بار چند ساعت با هم صحبت می‌کردیم. یک بار بنده سؤالی در مورد کیفرشناسی از ایشان پرسیدم زیرا تا آن زمان کتابی در این موضوع به فارسی نگاشته نشده بود اما پدر جرم‌شناسی ایران حاضر نشد به این سؤال پاسخ بدهد و گفت که جرم شناس است و از او سؤال کیفرشناسی نپرسم. واقعاً جای تعجب است که دکتر کی‌نیا حتی در یک محفل دوستانه چنین دقتی دارد و عده‌ای بدون داشتن کمترین اطلاعات در زمینه بحث، کتاب چاپ می‌کنند.

فرمایش شما در مورد لزوم تخصص برای نویسنده قابل پذیرش

است ولی گاهی اوقات یک نویسنده جوان می‌تواند اثری بسیار مطلوب

ارائه کند مثلاً پایان نامه‌های بسیار خوبی توسط این گونه افراد نوشته می‌شود ولی با این سیاست هیچ گاه چاپ و منتشر نمی‌شود.

در مورد پایان نامه‌ها فقط بحث معروف نبودن نویسنده نیست مشکل اصلی در عدم چاپ اغلب پایان نامه‌ها این است که موضوعات آنها بسیار تخصصی و عمیق است و این گونه آثار مخاطبین اندکی دارند و در کار نشر نمی‌توانند موفق باشند بلکه باید عمومیت بیشتری داشته باشند.

فکر نمی‌کنید با ادامه این رفتار، دانش حقوق نمی‌تواند پیشرفت

کند و عرصه از کتب تخصصی دقیق خارج شود؟

به نظر من بین این دو موضوع عمومی و کاملاً تخصصی هم موضوعاتی هست مثلاً جرائم علیه اشخاص یک موضوع نسبتاً عام است و قتل شبه عمد یک بحث تخصصی، در این میان موضوع قتل هم وجود دارد که می‌توان در خصوص آن کار کرد ولی نباید انتظار داشت که ناشر سرمایه خودش را در چاپ کتابی صرف کند که بازگشت ندارد، هر چند بسیار هم تخصصی باشد وقتی مخاطب ندارد نمی‌توان آن را چاپ کرد.

منظور شما این است که علت عدم چاپ کتابهای تخصصی

حقوقی وجود نداشتن خواننده برای این کتابها است؟

بله اکثر کتابهایی که اطمینان ما را کمتر از ۶۰٪ جلب می کند با تیراژ ۲۰۰۰ نسخه چاپ می شوند و کمتر از نصف آنها در طول یک سال فروش می روند.

به غیر از کمبود مخاطب علاقمند به کتاب حقوقی، به نظر شما

چه مشکلات عمده دیگری در چاپ کتاب برای شما وجود دارد؟

مشکل نشر در یک تقسیم بندی به دو موضوع عمده قابل تفکیک است. یک موضوع کتابسازی است که به آن اشاره کردیم. مشکل دیگر، مشکل توزیع است. نشر مثل استخری است که ناشر با سرمایه اش به آن می افزاید اگر این استخر مجرای خروج مناسبی نداشته باشد آب سر ریز می کند و هدر می رود و از طرف دیگر نهالهایی که باید سیراب شوند هم تشنه می مانند. حدود ۳ یا ۴ سال پیش میزگردی در نمایشگاه کتاب در مورد صنعت نشر برپا شده بود بنده در آنجا پیشنهادی را مطرح کردم و آن پیشنهاد، ایجاد یک نمایشگاه دائمی کتاب بود. تحقق این موضوع بسیار ضروری است اگر هم کالای دیگری را هم به این صورت توزیع کنیم مشکلات ایجاد می شود. در واقع یک کتاب چند مرحله را می گذارند:

مرحله اول - علمی که نویسنده در آن به تنهایی کار می کند و می نویسد.

مرحله دوم - مرحله فرهنگی و هنری است که در انتشارات و چاپخانه،

کتاب را مین به قالب و صورت می کنند.

مرحله سوم - مرحله اقتصادی است و این مرحله مربوط به زمانی است که عوامل متعدد برای فروش آن فعالیت می کنند تا دوباره در دست خریدار به مرحله عملی وارد شود. در دوره اقتصادی باید قوانین اقتصادی حاکم بر سایر کالاها را بر کتاب هم حاکم کرد. در اقتصاد می گویند که تولیدکننده زمانی موفق است که به مصرف کننده نزدیک شود و دست واسطه ها کوتاه گردد. همچنین یکی دیگر از قوانین ایجاد بورس برای کالا است، این ارتباط و ایجاد مرکز فروش از طریق نمایشگاه دائمی ممکن است. وقتی در مورد کتابهای حقوقی حتی در شهرهای بزرگ و مراکز استان هم نمایشگاه یا فروشگاه نداریم چگونه می توان رونق خوبی داشت؟ الان وضعیت به صورتی است که مشتری به یک شرکت پخش مراجعه می کند و تقاضای کتابی را می کند یا بیعانه ای می پردازد تا شرکت پخش کتاب را از ما بگیرد. برای حل این مشکل ما از دو سال پیش وارد این عرصه شدیم و در حال حاضر در کشور حدود ۷۰ نماینده داریم که حداکثر تا یک هفته بعد از انتشار، کتاب را به آنها می رسانیم و شاید اندک موفقیتی که داشتیم ناشی از این امر است.

چرا مستقیماً در دانشگاهها، فروشگاهها برای عرضه کتاب ایجاد

نمی کنید؟

ما قبلاً این کار را آزموده ایم ولی به سرعت متوجه شدیم که روش درستی نیست زیرا معمولاً در دانشگاهها، دانشجویان یا کارمندان عهده دار این امر می شدند ولی این افراد کتابفروش نبودند، به صورت تمام وقت کار نمی کردند، در مسائل مالی دقت نداشتند و... نهایتاً این که تقریباً در تمامی دانشگاههایی که ما این گونه کار کردیم شکست خوردیم و با مقداری ضرر کار را رها کردیم. سرانجام به این نتیجه رسیدیم که افراد تمام وقت که در این کار ذی نفع هستند باید با ما همکاری باشند، از ما تخفیف بگیرند و مسؤلیت آن را نیز تقبل کنند.

ایجاد یک نمایشگاه دائمی کتاب علاوه بر ایجاد ارتباط بیشتر با مشتری، در برخی مواقع که کتاب موقعیت زمانی خود را از دست می دهد به ناشر امکان می دهد که با دادن تخفیف مالی از ضرر بیشتر جلوگیری کند. برای ایجاد این نمایشگاه تنها کافی است وزارت ارشاد هیئتی معتقد با ضمانت و نظارت خودش انتخاب کند و با سرمایه ناشرین این مسأله را محقق کند. ناشرین هم از این طرح استقبال می کنند. دو سال پیش در روز مانده به پایان نمایشگاه کتاب، من این طرح را مکتوب کردم و از کارمندان خواستم که برای آن امضاء بگیرند در آن دو روز آخر بیش از ۳۰۰ نفر از ناشرین آن را پذیرفتند و این یک امر ایده آلیستی است. علاوه بر این باید در مرکز هر استان، بازارچه ای برای کتاب ایجاد شود و بنده مطمئنم که ناشرین و کتابفروشیهای هر استان نیز تمایل به این موضوع دارند علاوه بر این می توان در هر استان هیئت امنایی برای این کار داشت و ناشر نیز با آسایش خیال و تضمین اتحادیه اجناسش را برای مشتری می فرستد.

فعلاً بزرگترین مشکل ما کاغذ است. در حال حاضر هر وقت ما تقاضای کاغذ می کنیم در حدود ۱۰ میلیون تومان پول به حساب شرکت تعاونی ناشران می پردازیم و حداقل دو ماه بعد کاغذ به دست ما می رسد و این باعث می شود کتابهایی که از لحاظ زمان چاپ آنها اهمیت دارد با مشکل روبه رو می شوند و این بزرگترین مشکل عملی ما در جریان چاپ است.

آیا شما فعالیت دیگری هم در زمینه اطلاع رسانی حقوقی انجام

داده اید؟

بله، ما یک سایت اینترنتی حقوقی نیز ایجاد کرده ایم که می تواند به ایرانیان خارج از کشور و حقوقدانان شهرستانها کمک کند. این سایت از حدود دو سال پیش طرح ریزی شده و چند ماهی است که به صورت فعال درآمده است و آدرس آن هم www.majd.com است. در این سایت کلیه کتابهای موجود در بازار معرفی شده اند همچنین بخش قوانین دارد که قوانین مختلف حقوقی را در بر می گیرد. علاوه بر این قسمت جستجو دارد و همچنین قسمت دیگری تحت عنوان بخش قوانین تازه نیز دارد.

علاوه بر توزیع، در بخش تولید هم مشکل دارید؟

فعلاً بزرگترین مشکل ما کاغذ است. در حال حاضر هر وقت ما تقاضای کاغذ می کنیم در حدود ۱۰ میلیون تومان پول به حساب شرکت تعاونی ناشران می پردازیم و حداقل دو ماه بعد کاغذ به دست ما می رسد و این باعث می شود کتابهایی که از لحاظ زمان چاپ آنها اهمیت دارد با مشکل روبه رو می شوند و این بزرگترین مشکل عملی ما در جریان چاپ است.

برای گرفتن مجوز مشکلی ندارید؟

خیر- در زمینه کتب حقوقی ما این مشکل را نداریم و ممیزی که صورت می گیرد در کمتر از ۴۸ ساعت وزارت ارشاد پاسخ می دهد و نمی توان از یک کتاب علمی حقوقی ایرادی از این جهت گرفت.

فکر نمی کنید وزارت فرهنگ لازم باشد که از لحاظ محتوا کتب

علمی را بررسی کند؟

عملاً امکانپذیر نیست برای چنین کاری به تشکیلاتی چند برابر وزارت فرهنگ احتیاج داریم. وقتی ما مؤلفین حقوقی کم داریم چگونه می توانیم افرادی داشته باشیم که صلاحیت علمی برای بررسی این کتب داشته باشند.

مشکل دیگری در چاپ کتب حقوقی وجود ندارد؟

مشکل بزرگ ما در زمینه چاپ مجموعه قوانین است زیرا برخی افراد بدون صلاحیت لازم و تحصیلات حقوقی اقدام به این کار می کنند. یکی از این افراد کارمند یک انتشارات حقوقی است و دیگری شاگرد یک پخش کننده کتاب است که کتاب جابجا می کند ولی اینها معروف شده اند و کتب مختلف چاپ می کنند و تنها کاری که اینها انجام می دهند تایپ و ماشین نویسی از سایر قوانین و گاه حذف پاورقی ها و یا سرقت ادبی این پاورقی ها و چاپ آن هاست، نمونه آن کتابی است که در مورد قانون امور..... چاپ شده و در تمام صفحات آن امور.....، امور..... نوشته شده است. البته ما به مدیر روزنامه رسمی پیشنهاد کردیم که دولت مصوبه ای داشته باشد تا کسانی که می خواهند قانون چاپ کنند از روزنامه رسمی مجوز بگیرند تا حداقل اطلاعات را این ناشرین درباره حقوق داشته باشند.

نظر شما درخصوص موظف نمودن روزنامه رسمی به چاپ

آرای دادگاه های عالی چیست؟

چاپ این آراء بسیار سودمند است و در سایر کشورها هم انجام می شود ولی مشروط بر این که باعث اخلال در وظایف روزنامه رسمی نشود.

به عنوان سؤال آخر می خواستم بپرسم که آیا با ناشرین حقوقی

سایر کشورها هم ارتباطی دارید؟

به صورت تشکیلاتی و انتشاراتی خیر، تنها برخی از کتب این ناشرین را ترجمه کرده ایم. از جمله از انتشارات DALLOZ فرانسه، ولی بحثهای مربوط به کپی رایت، کمی خواننده کتب لاتین و حقوق اروپا در ایران و قیمت های بالای کتب در این کشورها، مانع از آن ارتباط رسمی و تشکیلاتی است.

در پایان اگر نکته دیگری دارید بفرمائید.

در اینجا جا دارد از زحمات اداره تدوین و تقیح مقررات ریاست جمهوری که زحمات شایان توجهی متحمل می شوند و حاشیه ها و ارجاعات بسیار مفیدی در چاپ قوانین دارند و تلاش در انجام وظیفه ای دارند که باید قاعدتاً بر عهده مجلس یا قوه قضاییه باشد، تقدیر و تشکر کنم.